

معلمان و قانون حمایت از کودکان و نوجوانان

احمد مختاریان



سن یکی از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده در انتخاب قانون حاکم بر رفتار اشخاص است. این امر در همه نظام‌های حقوقی دیده می‌شود و در واقع یکی از عوامل مؤثر بر قانون‌گذاری و اجرای قانون است. آنچه نظام‌های حقوقی را از یکدیگر متمایز می‌سازد، میزان سن است. در اکثر کشورهای جهان، سن «هجده سال تمام» به‌عنوان نقطه تفکیک اشخاص جامعه در نظر گرفته شده است. اما مبنای تفکیک اشخاص در نظام حقوقی ایران، به پیروی از شرع مقدس اسلام، سن بلوغ است که برحسب جنسیت متفاوت است. سن بلوغ در قوانین ایران - اعم از مدنی و کیفری - نه سال تمام قمری (تقریباً هشت سال و نه ماه شمسی) برای دختران و پانزده سال تمام قمری (تقریباً چهارده سال و شش ماه و دو هفته شمسی) برای پسران، مقرر شده است.^۱ اشخاص نابالغ با عنوان «صغیر» یا «طفل» و اشخاص بالغ با عنوان «کبیر» شناسایی می‌شوند. از آنجا که یکی از وظایف قانون، حمایت از همه افراد جامعه است، به همین دلیل، قانون در مقام حمایت از اشخاص صغیر به‌گونه‌ای خاص عمل کرده و این اقدامات را به عمل آورده است:

۱. هر چیز را که منافع آنان را مخدوش کند، ممنوع اعلام کرده است.

۲. برای آنان سرپرست - اعم از ولی یا قیم - تعیین کرده است.
 ۳. در زمینه قانون‌گذاری نیز به وضع قوانین مخصوص به ایشان پرداخته است.
 طرح عنوان «سن رشد»، نکته مهم دیگری در قوانین ایران است که آن هم از فقه اسلامی اقتباس شده است. «رشد» شخصی است که بتواند منافع خود را به‌ویژه در زمینه مسائل اقتصادی و پولی تشخیص دهد. نقطه مقابل شخص رشید، «سفیه» است. برای مثال، شخصی که قطعه‌ای جواهر با ارزش را با یک شیء کم‌ارزش یا مبلغ اندک معاوضه می‌کند و برای این رفتار هیچ دلیل درستی ندارد، سفیه خوانده می‌شود. سن رشد در قوانین ایران هجده سال تمام شمسی است. با توجه به این ویژگی‌ها، اشخاص جامعه ایران به این گروه‌ها تقسیم می‌شوند:

- نابالغ غیر رشید (صغیر سفیه)؛
- نابالغ رشید^۲ (صغیر رشید)؛
- بالغ غیر رشید (کبیر سفیه)؛
- بالغ رشید (کبیر رشید).

**«رشید» شخصی
است که بتواند
منافع خود را
به‌ویژه در زمینه
مسائل اقتصادی
و پولی تشخیص
دهد. نقطه مقابل
شخص رشید،
«سفیه» است**

از خویشاوندان یا غیرخویشاوندان باشد و همه توافقات باید فقط با پدر یا قیم قانونی دانش‌آموز صورت گیرد. امضا و توافق با مادر زمانی معتبر است که گویای پذیرش و موافقت پدر یا قیم قانونی باشد. پس تمامی رضایت‌نامه‌ها و مدارکی که نیازمند امضا هستند، باید به امضای پدر یا قیم برسند و امضای دیگر اشخاص فاقد اعتبار است، مگر آنکه از طرف ولی یا قیم صورت گرفته باشد.

ب. دانش‌آموزان بالغ غیررشید

این دانش‌آموزان در مدارس دخترانه در پایه‌های بالاتر از سوم ابتدایی و در مدارس پسرانه در پایه‌های اول دبیرستان (دهم نظام جدید) به بالا حضور دارند. برخی از توافقات با ایشان، به شرطی که به امور مالی ارتباط نداشته باشد، معتبر است. معمولاً امضای ایشان فاقد اعتبار است و موافقت پدر یا قیم قانونی، برای اثرگذار بودن آن‌ها الزامی است. نکته مهم در اینجا این است که برخی معاملات رایج در مدارس مانند خرید از بوفه مدرسه یا پرداخت برخی جریمه‌های مالی که مبلغ آن‌ها زیاد نباشد، می‌تواند از صحت برخوردار و دارای اعتبار قانونی باشد، چرا که معمولاً چنین معاملاتی زیر نظر ولی یا قیم انجام می‌شود یا با اجازه آنان صورت می‌پذیرد.

نگه داشتن دانش‌آموزان یا تعطیل کردن مدرسه یا کلاس زودتر از زمان توافق شده با ولی یا قیم ممنوع است و در صورت بروز هرگونه خطر یا صدمه، مدرسه یا معلم مسئول و پاسخگو خواهد بود. خلاصه اینکه هرگونه خواسته مدرسه و معلم از دانش‌آموزان که خارج از عرف تعلیم و تربیت است یا موجب پیدایش هزینه مالی می‌شود،

قانون فقط اعمال و رفتار افراد بالغ رشید را به رسمیت می‌شناسد و پذیرش اعمال دیگر گروه‌ها جنبه استثنایی خواهد داشت.

آنچه باید مورد توجه جامعه آموزش و پرورش ایران باشد، این است که همه دانش‌آموزان (به جز بزرگسالان) یا در گروه نابالغ غیررشید قرار دارند یا در گروه بالغ غیررشید. به همین دلیل، باید در چارچوب قوانینی حرکت کرد که متوجه این دو گروه است.

نگاهی کوتاه به قوانین مربوط به هر

دو گروه با راستای معلم بودن

الف. دانش‌آموزان نابالغ غیررشید

این دانش‌آموزان در مدارس دخترانه در پایه‌های اول تا سوم ابتدایی و در مدارس پسرانه در پایه‌های اول دبستان تا پایان دوره متوسطه اول (اول تا نهم نظام جدید) حضور دارند. هرگونه تصمیم درباره این گروه، حتماً باید با موافقت ولی (پدر) یا قیم ایشان که دادگاه معین کرده باشد، گرفته شود. زیرا از نظر قانون این اشخاص مجاز نیستند مانند افراد بزرگسال به انجام بسیاری از کارها اقدام و اراده خود را اعمال کنند. پس هرگونه توافقی که با آنان در زمینه امور مالی و غیر آن به عمل می‌آید، فاقد ارزش قانونی است و معلم و مدرسه در مقابل آثار منفی آن مسئولیت مدنی یا کیفری خواهد داشت. برای مثال، گرفتن هرگونه تعهد از ایشان و در هر قالبی، مانند تعهد شفاهی یا کتبی و گرفتن امضا در امور آموزشی و تربیتی، فاقد ارزش قانونی است و حتی می‌تواند مسئولیت کیفری برای معلم و مدرسه هم در پی داشته باشد. نکته مهم این است که بخش‌نامه‌ها یا مصوبات هیئت دولت یا وزارت آموزش و پرورش نمی‌تواند مجوزی برای چنین اقداماتی باشد. چرا که با قوانین بالاتر، یعنی مصوبات مجلس شورای اسلامی در تناقض است. پس تعهدنامه ثبت‌نامی که صرفاً به اطلاع یا امضای دانش‌آموز رسیده باشد و مورد قبول ولی یا قیم ایشان نباشد، فاقد اعتبار برای عمل یا استناد خواهد بود. هرگونه رفتار انضباطی یا ضبط اموالی که در اختیار دانش‌آموزان است، فقط زمانی موجه است که یا براساس اختیارات قانونی معلم و مدرسه باشد یا مبتنی بر توافق قبلی با ولی یا قیم آنان صورت گرفته باشد و در موارد پیش‌بینی نشده، باید بلافاصله به ولی یا سرپرست دانش‌آموز اطلاع داده شود. ولی دانش‌آموز از نظر شرع مطهر و قانون، پدر او، و قیم او می‌تواند مادر و اشخاص دیگر اعم

قانون فقط
اعمال و رفتار
افراد بالغ رشید
را به رسمیت
می‌شناسد و
پذیرش اعمال
دیگر گروه‌ها
جنبه استثنایی
خواهد داشت



باید با توافق با ولی یا قیم دانش‌آموزان تأمین شود. موافقت نکردن ولی یا قیم، زمینه‌ساز پیدایش رفتار خاص با دانش‌آموز نخواهد بود.

نگاهی به قانون حمایت از کودکان و نوجوانان

در تاریخ ۱۳۸۱/۹/۲۵ شمسی، قانونی در نه ماده به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید که هدف آن حمایت از کودکان و نوجوانان در مقابل هرگونه اذیت و آزار و بهره‌کشی بود. این قانون، «قانون حمایت از کودکان و نوجوانان» نامگذاری شد.

بنابر ماده یک این قانون، همه اشخاصی که به سن هجده سال تمام شمسی نرسیده‌اند، مورد حمایت آن قرار خواهند داشت. با توجه به نام این قانون و محتوای آن، می‌توان نتیجه گرفت اشخاصی که به سن هجده سال تمام شمسی نرسیده‌اند، به دو دسته تقسیم می‌شوند؛ گروهی از ایشان «کودک» و طفل» و گروهی دیگر «نوجوان» تلقی خواهند شد. به این ترتیب، همه دانش‌آموزان ایران مورد حمایت این قانون قرار دارند.

معمولاً اشخاصی را که سن آنان کمتر از دوازده سال است، «کودک» و اشخاصی را که سن آنان بین دوازده تا هجده سال است «نوجوان» و اشخاصی را که بیش از هجده سال دارند به ترتیب جوان، میان‌سال، بزرگ‌سال و کهن‌سال می‌نامند.

ماده دوم این قانون، هر نوع اذیت و آزار کودکان و نوجوانان را که موجب رسیدن صدمه جسمی یا روانی یا اخلاقی به آنان شود و یا سلامت جسمی یا روانی آنان را در معرض خطر قرار دهد، ممنوع کرده است. با توجه به محتوای این ماده، معلمان و کارکنان مدارس و ادارات آموزش و پرورش باید مراقب باشند:

● دستورات و خواسته‌های ایشان از دانش‌آموزان، سلامت روحی و جسمانی آنان را به مخاطره نیندازد. برای مثال، نباید تکالیف درسی یا آزمون‌ها به گونه‌ای باشد که به سلامت جسمانی یا روانی آنان آسیبی وارد کند. یا نباید برای مدت طولانی آنان را سرپا نگاه داشت (چه هدف از این کار تنبیه باشد، یا استماع سخنرانی یا...).

● سخنان و رفتار معلمان و دیگران نباید به گونه‌ای باشد که موجب رسیدن آسیب بدنی

یا روانی و یا اخلاقی به آنان شود. پس معلمان باید مراقب باشند تا سخنان و رفتار آنان زمینه را برای آسیب بدنی (مثلاً انجام کارهای خطرناک به وسیله دانش‌آموز) یا انحراف اخلاقی (مانند گرایش به جرم) یا روانی (مانند ناامیدی یا افسردگی و استرس) دانش‌آموزان فراهم نیاورد.

نکته بسیار مهم و درخور توجه در این زمینه این است که تنبیهات بدنی یا ایجاد فشار روحی روانی (مانند ترس یا استرس) از مصادیق بارز کودک‌آزاری است. مطابق با ماده چهار این قانون، کسانی که سلامت دانش‌آموزان - جسمی یا روانی - را تهدید کنند و یا باعث وارد آمدن صدمه عمدی به سلامت جسمانی یا روانی یا اخلاقی آنان شوند، به نود و یک روز تا شش ماه حبس یا پرداخت جریمه نقدی محکوم می‌شوند.

چنانچه صدمه وارد مشمول قانون قصاص یا دیه شود، برابر قانون قصاص و دیه نیز با آنان رفتار خواهد شد.

با توجه به ماده پنج این قانون، برای رسیدگی به جرم کودک‌آزاری (در بحث ما، دانش‌آموز‌آزاری) نیازی به شکایت کودک یا ولی یا قیم او نیست و هر یک از افراد جامعه می‌توانند نسبت به اشخاصی که موجب آزار و اذیت کودکان شوند، به دادگاه صالح شکایت کنند. در صورت طرح شکایت هم، رضایت کودک یا ولی و قیم او، باعث توقف روند رسیدگی و مجازات مجرم نخواهد شد.

یکی از وظایف معلمان و دیگر کارکنان مدارس این است که به محض اطلاع یافتن از وقوع کودک‌آزاری مراتب را به مقامات صالح قضایی اطلاع دهند. در غیر این صورت، به حبس تا شش ماه محکوم خواهند شد.

با توجه به این قانون می‌توان گفت، این قانون علاوه بر اینکه قانونی مورد پسند شرع انور و همه عقول سلیم است، تأمین‌کننده محیطی آرام و سالم برای نسل آینده کشور است. رعایت این قانون و تعمق در آن می‌تواند زمینه‌ساز رشد و بالندگی نسل اثرگذار آینده این مرزوبوم باشد و از این رهگذر تعالی و ترقی کشور را به دنبال داشته باشد. به نظر می‌رسد کسانی که در زمینه تعلیم و تربیت و روان‌شناسی آن فعالیت دارند، می‌توانند با تجزیه و تحلیل این قانون که بر اصول روان‌شناسی تعلیم و تربیت مبتنی است دانش تربیتی معلمان را افزایش دهند و آموزش و پرورش را در راستای مهم‌ترین هدف و وظیفه‌اش که همانا تربیت نسل موفق و اثرگذار آینده است، یاری رسانند.

**تنبیهات بدنی
یا ایجاد فشار
روحی روانی
(مانند ترس)
یا استرس از
مصادیق بارز
کودک‌آزاری
است**

* پی‌نوشت

۱. در قوانین ایران، دیگر علائم بلوغ مورد توجه نیستند؛ هرچند ممکن است مورد توجه دادرسان قرار گیرند.
۲. با توجه به سن رشد، نمی‌توان نابالغ رشید را فرض کرد، اما چون ممکن است اشخاص نابالغی باشند که مانند بزرگسالان توان سنجش مصالح مالی و مفاسد آن را داشته باشند، فرض این‌گونه افراد مانعی ندارد.